

Jurisprudential Analysis for the Foundations of Civil Liability of Organizations Supervising Products Safety Due to the Advent of New Technologies

Mansur Amini

Associate Professor at Faculty of Law, Shahid Beheshti University
aminimansour@sbu.ac.ir

Ahmad Reza Azimnasab Rayni

M.A in private law, Shahid Beheshti University.
ahmadazimnasab@yahoo.com

Shahriyar Kazemi Azar

M.A in international law, Shahid Beheshti University (author),
skazemi9@yahoo.com

Abstract

One of the salient and at the same time problematic features of current normative debates about new and emerging technologies is the lack of clear and reliable data on the characteristics of many expected applications of technology. Despite the tremendous benefits and potential applications of new technologies such as nanotechnology and biotechnology, existing scientific studies have proven that products derived from these technologies, such as transgenic or nanoscale products can have harmful effects on consumers' health and the environment. This necessitates the need to provide standards and pay attention to the safety of these products by supervising organizations. Therefore, the question that arises is, "in case of losses and harm resulting from the use of these products, what are the consequences for the responsible organizations and how can the civil liability of these organizations be analyzed. In the current paper, considering the probable dangers of these products to the safety and health of the consumers, the civil liability of supervising organizations to balance the risks and benefits of these emerging technologies is examined from a jurisprudential perspective based on two principles of Tasbib (causality) and Ghorur (deception). Accordingly, in addition to the pathology principle of Tasbib, through providing a specific mechanism based on the principle of Ghorur, we can figure out the responsibility of organizations supervising the safety of products.

Keywords

New technologies, risk, supervising organizations, civil liability, Islamic jurisprudence.



تحلیل فقهی مبانی مسئولیت مدنی سازمان‌های ناظر بر ایمنی محصولات ناشی از ظهور فناوری‌های نوین

* منصور امینی

** احمد رضا عظیم‌نسب راینی

*** شهریار کاظمی آذر

چکیده

یکی از ویژگی‌های برجسته و درعین حال مسئله‌ساز مباحث هنجاری کنونی درباره فناوری‌های جدید و نوظهور، فقدان داده‌های شفاف و معتبر از خصوصیات بسیاری از کاربری‌های موردانتظار فناوری است. با وجود مزایا و ظرفیت‌های شگرف کاربردهای فناوری‌های نوین همانند نانوفناوری و زیست‌فناوری، مطالعات علمی موجود ثابت کرده است که محصولات ناشی از این فناوری‌ها همچون محصولات تراریخته یا محصولات نانومقیاس، ممکن است آثار زیان‌باری بر سلامت مصرف‌کنندگان و محیط‌زیست داشته باشد. این موضوع ضرورت تدوین استانداردها و توجه به ایمنی این محصولات از سوی سازمان‌های ناظر را ایجاب می‌کند. از این رو، سؤالی که مطرح می‌شود این است که در صورت ایجاد ضرر و زیان ناشی از استفاده از این محصولات، چه عواقبی در انتظار سازمان‌های مسئول است و بر چه اساسی می‌توان مسئولیت مدنی این سازمان‌ها را تحلیل نمود. در این نوشتار، با توجه به خطرات احتمالی این محصولات بر ایمنی و سلامت مصرف‌کنندگان، مسئولیت مدنی سازمان‌های ناظر در ایجاد تعادل میان خطرات و مزایای این فناوری‌های نوظهور، از منظر فقهی بر مبنای دو قاعده تسبیب و غرور بررسی می‌شود. بر این اساس، ضمن آسیب‌شناسی اعمال قاعده تسبیب، با ارائه سازوکاری ویژه بر مبنای قاعده غرور، قائل به مسئولیت سازمان‌های ناظر بر ایمنی محصولات خواهیم بود.

کلیدواژه‌ها

فناوری‌های نوین، ریسک، سازمان‌های ناظر، مسئولیت مدنی، فقه.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۱/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۵/۰۱

* دانشیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

aminimansour@sbu.ac.ir

** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه شهید بهشتی

ahmadazimnasab@yahoo.com

*** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده مسئول)

skazemi9@yahoo.com



مقدمه

ظهور فناوری‌های نوین ظرفیت‌های عظیمی به‌ویژه در حوزه‌هایی مانند پزشکی، داروسازی، مواد شیمیایی، صنعت و محیط‌زیست به‌دنبال دارد. خوشبختانه ایران از کشورهای پیشگام دنیا در حوزه فناوری‌های نوین همچون زیست‌فناوری و نانوفناوری است و در سال‌های اخیر پیشرفت‌های چشمگیری در این حوزه داشته است. با وجود این، طرح مباحثی درباره خطرات احتمالی محصولاتی همچون تراریخته یا محصولات تولیدی در مقیاس نانو برای سلامت مصرف‌کنندگان، نگرانی‌هایی را در این خصوص ایجاد کرده است. همین نگرانی‌ها لزوم تدوین استاندارد و ایمنی این محصولات را ایجاب می‌کند.

هدف استانداردهای ایمنی و سلامت کاهش خطرات فناوری جدید برای مردم و محیط‌زیست است. در اغلب موارد، بازه زمانی قابل توجهی میان ظهور فناوری جدید و فراهم کردن اطلاعات کافی برای ارزیابی ریسک و تدوین چارچوب‌های قانونی و مدیریت ریسک وجود دارد (Karim and Munir, 2014: p.177). در ابتدای قرن بیست‌ویکم، شکاف میان ظهور فناوری و ایجاد استانداردهای ایمنی، جامعه را به سمت مدیریت ریسک ناشی از فناوری‌های نوظهوری مانند فناوری نانو و فناوری زیستی سوق داده است (Murashov & Howard, 2009: p.467). مدیریت مؤثر ریسک می‌تواند در ابتدا پاسخی مؤثر در برابر فناوری نوین باشد و سپس به تدوین استانداردهای ایمنی بر مبنای اطلاعاتی از خطرات موجود بینجامد. این ویژگی مدیریت ریسک برای توسعه استانداردهای ایمنی و سلامت در حوزه نوظهور فناوری‌ها قابل اعمال است.

ایجاد نظام ارزیابی خطر به‌طور کلی برای پذیرش فناوری جدید از سوی جامعه ضرورت دارد. اغلب، این وظیفه را سازمان‌های مسئول استاندارد محصولات مصرفی به عهده می‌گیرند. هر رویکردی در ارزیابی ریسک فناوری جدید دو بُعد اساسی دارد: فراهم کردن اطلاعات و ایجاد استانداردهای ایمنی. گردآوری اطلاعات برای مقایسه فناوری‌های نوین با فناوری‌های قبلی به‌ویژه در ارتباط با خطرات احتمالی و ناخواسته این فناوری‌ها ضروری است (David & Thompson, 2008: p.2). با توجه به این امر، مسئله‌ای



فنا

که مطرح می‌شود این است که سازمان‌های ناظر بر ایمنی محصولات، وظیفه گردآوری اطلاعات و تدوین استاندارد در این حوزه را بر عهده دارند؛ حال، در صورت ایجاد خسارت برای مصرف‌کنندگان، بر چه اساسی می‌توان مسئولیت مدنی این سازمان‌ها را پیش کشید. در این نوشته در پرتو تحلیل فقهی این مسئولیت، امکان‌سنجی اعمال موجبات فقهی ضمان در مسئولیت مدنی سازمان‌های ناظر بر ایمنی محصولات حاصل از فناوری‌های نوین بررسی می‌شود. تمرکز اصلی این گفتار در تحلیل فقهی مسئولیت مدنی سازمان‌های ناظر بر ایمنی محصولات، بر قاعده تسبیب و قاعده غرور و بررسی نظریه قابلیت استناد زیان به عامل زیان خواهد بود.

۱. ظهور فناوری‌های نوین و موضوع ایمنی محصولات تولیدی

در دهه گذشته، حوزه فناوری‌های نوین به‌طور وسیع از حوزه احتمالی مزایا و نوآوری به سطح مؤثر و مهمی از کاربری‌های عملی تبدیل شده است (Nowack & Bucheli, 2007: p.14). فناوری‌های همگرا (نانوفناوری، زیست‌فناوری، فناوری اطلاعات و فناوری شناختی) به‌لحاظ کاربردهای عملی، تأثیری شگرف در زندگی انسان‌ها داشته‌اند.

ایران با درک اهمیت فناوری‌های نوین در رشد اقتصادی و افزایش کیفیت زندگی مردم، به‌موقع به این حوزه وارد شده است و از پیشگامان جهانی، به‌ویژه در حوزه زیست‌فناوری و نانوفناوری، به‌شمار می‌رود. فناوری نانو قابلیت‌های شگرفی دارد و برای ارائه راه‌حل‌های زیست‌محیطی به‌کار می‌رود، مانند انرژی پاک و ایمن، مواد قوی‌تر و سبک‌تر و با دوام بیشتر، تصفیه‌کننده‌های ارزان برای تهیه آب آشامیدنی، حسگرها یا دستگاه‌هایی برای کشف مواد شیمیایی مضر برای محیط‌زیست و تحول در تشخیص بیماری دارد (Schmidt, 2006: p.2).

ایران در سال ۱۳۸۳ نخستین بذره‌های برنج تراریخته را برداشت کرد. در این سال‌ها، ایران علاوه بر محصولات غذایی و کشاورزی، توانسته است با بهره‌مندی از دانش زیست‌فناوری چنین محصولاتی تولید کند: سرم و واکسن، کشت‌بافت گیاهی، کود و سموم بیولوژیک، فراورده‌های میکروبی و کیت‌های تشخیصی، برخی از مواد دارویی





مثل آنتی‌بیوتیک‌ها، هورمون‌ها و فاکتورهای پروتئینی، مواد شیمیایی شامل الکل، اوره، استون و اسیداستیک. از کاربردهای فناورهای همگرا (که مثلاً از ترکیب فناوری نانو و فناوری زیستی یا زیست‌فناوری و علوم شناختی حاصل می‌شود) نیز می‌توان به تولید چشم‌های مصنوعی، عینک‌های آفتابی، و ساخت تراشه‌هایی در تشخیص و درمان بیماری‌هایی همچون ایدز اشاره کرد. قابلیت‌های این فناورهای ها به حدی است که هم‌اکنون می‌توان محصولات تولیدی ناشی از آنها را مشاهده کرد: از مواد مصرفی روزانه همچون پوشاک، مواد غذایی و محصولات کشاورزی تا ساخت تجهیزات پزشکی و استفاده در صنایع مختلف.

با وجود این، در سال‌های اخیر مباحثی دربارهٔ آثار زیان‌بار احتمالی محصولات تولیدی فناوری‌های جدید مانند محصولات تراریخته، محصولات تولیدی در مقیاس نانو یا محصولات مصرفی ناشی از ترکیب فناورهای همگرا مطرح شده است. این مباحث سبب ایجاد نگرانی‌هایی در میان مصرف‌کنندگان دربارهٔ ایمنی این محصولات ایجاد کرده است. این مسئله کشورهای پیشگام و صاحب فناوری از جمله ایران را به تدوین استاندارد و ایمنی این محصولات تولیدی واداشته است. سازمان ملی استاندارد در این حوزه به‌عنوان متولی اصلی ایمنی محصولات تولیدی جایگاهی انحصاری دارد. این جایگاه باعث شده است مصرف‌کنندگان به فرایند استاندارد‌گذاری این سازمان اعتماد کنند و با مشاهدهٔ علامت استاندارد و در مراحل بعدی، تبلیغ این‌گونه محصولات به‌ویژه از طریق رسانهٔ ملی، تردیدی دربارهٔ آثار زیان‌بار این محصولات نداشته باشند. بر این اساس، سؤالی که مطرح می‌شود این است که در صورت ایجاد آثار احتمالی ناشی از مصرف این‌گونه محصولات بر سلامت انسان، چه عواقبی در انتظار سازمان متولی استاندارد این محصولات است و بر چه اساسی می‌توان مسئولیت مدنی این سازمان‌ها را پیش کشید. نوشتار پیش‌رو درصدد است که از منظر فقهی، به این سؤال اساسی در راستای بهره‌مندی ایمن از کاربردهای شگرف فناورهای نوظهور پاسخ دهد.

۲. امکان‌سنجی اعمال موجبات فقهی ضمان در مسئولیت مدنی سازمان‌های ناظر بر ایمنی محصولات

حقوق ایران، به‌ویژه در حوزه حقوق مدنی، رابطه گسترده‌ای با فقه امامیه دارد. این پیوند در حوزه مسئولیت مدنی نیز وجود دارد. در این حوزه، قواعد حاکم بر این مبحث را در قالب قواعد فقهی ضمان آور می‌توان ملاحظه نمود؛ قواعدی که در مواقع سکوت، اجمال یا ابهام قانون، دادرس مکلف به بهره‌بردن از آنها جهت حل و فصل اختلافات است.^۱

در تحلیل فقهی مسئولیت مدنی سازمان‌های ناظر بر ایمنی محصولات، باید از قواعد فقهی موجب ضمان استمداد جست؛ قواعدی که با عملکرد و مختصات ویژه سازمان‌های مربوطه و محصولات تحت نظارت آنها قابل تطبیق است. همچنین، رسالت اصلی مسئولیت مدنی در مرحله نخست، جبران زیان واردشده و در مرحله بعد، ترغیب سازمان‌های موردببحث به مسئولیت‌پذیری است؛ بنابراین، در ترجیح قاعده فقهی ضمان آور در تحلیل مسئولیت مدنی سازمان‌های ناظر باید به این رسالت اصلی توجه شود و با نگاه عینی به زیان حادث‌شده و تمرکز بر رابطه سببیت عرفی،^۲ دعوای مطروحه برای زیان‌دیده را تسهیل کرد؛ چراکه به دلیل تخصصی بودن مجموع تعهدات سازمان‌های ناظر بر ایمنی محصولات حاصل از فناوری‌های نوین، اثبات تخلف در انجام فعل زیان‌بار (تقصیر) توسط زیان‌دیده امری دشوار است. علاوه بر این، محصولاتی مانند تراریخته به دلیل خطر آفرین بودن در صورت غیرایمن بودن، از جمله محصولات سلامت‌محور شناخته می‌شوند؛ از این رو، باید تحلیل فقهی مسئولیت مدنی این سازمان‌ها را بر قواعدی استوار کرد که موجب مسئولیت‌پذیری آنها در انجام تعهدات شود. در ادامه به نقد و امکان‌سنجی اعمال دو قاعده فقهی «تسیب» و «غرور» می‌پردازیم و نهایتاً نظریه‌ای عمومی در باب مسئولیت مدنی در فقه امامیه ارائه می‌دهیم.

۱. اصل یکصد و شصت و هفتم قانون اساسی.

۲. «رابطه‌ای است که در هر مورد با توجه به مجموع شرایط و اوضاع و احوال بین دو پدیده برقرار می‌گردد؛ به گونه‌ای که عرف یک پدیده را ناشی از پدیده دیگر می‌داند» (ر.ک: مبین، ۱۳۹۰: ص ۱۷۳).





۲-۱. قاعده تسبیب

یکی از قواعد ضمان آور و موجد مسئولیت در فقه، قاعده تسبیب است. قاعده تسبیب به لحاظ مفهومی به قاعده اتلاف نزدیک است، اما با آن در عناصر موجد مسئولیت و شیوه ورود زیان توسط عامل زیان، دارای افتراق است. در تعریف قاعده اتلاف این گونه آمده است که شخصی مال دیگری را مباشرتاً و بدون اذن صاحب آن، به کلی از بین ببرد (محقق داماد، ۱۳۸۹: ص ۱۰۹-۱۱۰). از این رو، مطابق قاعده اتلاف، اگر شخصی با عمل خویش مباشرتاً موجب تلف مال دیگری شود، ضامن و ملزم به جبران خسارت وارد شده است؛ اعم از اینکه عالماً عامداً چنین کرده باشد یا عملش بدون قصد، چنین نتیجه‌ای داده باشد. اما باید دانست که احراز استناد عمل زیان‌بار منتج به تلف، به فاعل ضروری است؛ زیرا از ارکان اصلی ضمان بر مبنای این قاعده، تحقق مفهوم «اتلاف» است (همان: ص ۱۱۴). تسبیب نیز در واقع نوعی از اتلاف است: به این معنا که در اتلاف، شخص مستقیماً و بالمباشره با انجام یک فعل باعث اتلاف مال دیگری می‌شود، ولی در تسبیب، عمل مسبب با واسطه سبب می‌شود که مال غیر از بین برود. به همین دلیل در توضیح قاعده تسبیب آمده است: «در صورتی که شخصی مالی را به طور مستقیم تلف نکند، ولی برای تلف سبب‌سازی و تمهید مقدمه نماید، به کار او اتلاف به تسبیب می‌گویند» (کاتوزیان، ۱۳۸۹، ج ۱: ص ۱۵۹)؛ در حالی که در توضیح قاعده اتلاف گفته‌اند: «هرگاه کسی مال دیگری را تلف کند...» (شهابی، ۱۳۳۳: ص ۹۳-۹۴)؛ همچنین در تعریف تسبیب بیان کرده‌اند که اگر شخصی سبب شود دیگری متحمل خسارتی شود، ضامن آن خسارت خواهد بود (ایروانی، ۱۳۹۳، ج ۲: ص ۱۶۰).

احراز مسئولیت هر شخصی بر مبنای قاعده تسبیب، مستلزم احراز و اثبات شرایطی است که در صورت فقدان هر یک از آن شرایط، موفقیت در دعوی مسئولیت مدنی با مانع مواجه می‌شود. از جمله این شرایط که وجه افتراق قاعده تسبیب و اتلاف نیز شمرده می‌شود، لزوم اثبات تقصیر مسبب، مطابق قاعده تسبیب است.^۱

۱. لزوم اثبات تقصیر از سوی زیان دیده به دلیل مشقت آوردن این امر محل انتقاد است؛ چون در این صورت، بیم بلاجبران ماندن زیان می‌رود.

به ظاهر، در بسیاری از موارد، تصور تسبیب سازمان‌های ناظر بر ایمنی محصولات در ورود زیان، امری ممکن به نظر می‌رسد؛ با وجود این، در احراز مسئولیت یک شخص بر مبنای قاعده تسبیب ناگزیر از اثبات تقصیر عامل زیان هستیم؛ پس مطابق با این قاعده، بیم بلاجبران ماندن زیان وارد شده می‌رود؛ زیرا در بسیاری از موارد، اثبات تقصیر سازمان‌های ناظر امری مشکل خواهد بود و اگر نتوان تقصیر آنها را ثابت کرد، باید گفت که مطابق قاعده تسبیب مسئولیتی متوجه سازمان مربوطه نیست.^۱ در مواردی نیز سازمان‌های ناظر و اسباب دخیل در خسارت، مرتکب تقصیری نشده‌اند که برای زیان دیدگان روشن باشد. در این حالت نیز بر مبنای قاعده مذکور، مسئولیتی متوجه آن نمی‌شود. در نتیجه، باید به دنبال رویکردی بود که از دشواری‌های مذکور فارغ باشد.

در توضیح بند پیشین باید گفت: مسئولیت مدنی برای هر دعوا قاعده‌ای ویژه دارد؛ زیرا در هر مورد در تحلیل مسئولیت می‌بایست فلسفه مسئولیت مدنی، جایگاه طرفین دعوا نسبت به یکدیگر و اقتضای قضاوت منصفانه را در نظر داشت. در این مورد نیز اگر با توجه به مختصات ذاتی قاعده تسبیب بر اعمال آن اصرار بورزیم، بی‌تردید در بسیاری از موارد، زیان حادث شده بلاجبران خواهد ماند؛ افزون بر این، دشواری اثبات تقصیر سازمان‌های ناظر در دعوای مسئولیت در بلندمدت موجب ایجاد تمایل به مسئولیت‌گریزی از این طریق خواهد شد. در نتیجه، بنا به دلایل پیش گفته، اعمال قاعده تسبیب در موضوع مورد بحث مقرون به مصلحت و رسالت مسئولیت مدنی نیست.

۲-۲. قاعده غرور

یکی از مباحث مهم در زمینه مسئولیت مدنی، مبحث تأثیر غرور در تحقق آن است.

۱. مطابق با این قاعده، زیان دیده نقش مدعی را دارد و باید دلایل اثبات ادعای خود را فراهم آورد و در صورتی که به هر دلیل، اثبات تقصیر ممکن نباشد، در این حالت زیان حادث شده جبران نشده باقی خواهد ماند. افزون بر این، ضروری دانستن و لزوم اثبات تقصیر با اقتضای فعالیت‌های اقتصادی و واقعیات روز سازگاری ندارد؛ زیرا وظایف سازمان‌های مورد بحث اموری تخصصی‌اند که برای عموم اقشار جامعه قابل درک نیستند و در حقیقت، دلیل وجودی این سازمان‌ها نیز انجام پاره‌ای امور حرفه‌ای در مقابل تولیدکنندگان و واردکنندگان متخصص است که برای مصرف‌کنندگان قابل شناسایی نیست.





غرور در حقوق ما به تبعیت از فقه، از اسباب ضمان محسوب می‌شود. دلایل بسیاری برای این قاعده بیان شده است. از بین این دلایل، می‌توان به «بنای عقلا» و نیز حدیث نقل شده از حضرت رسول ﷺ اشاره کرد: «المغرور يرجع إلی من غره»؛^۱ به این معنا که فریب خورده می‌تواند - در خصوص خسارات وارد شده - به فریب‌دهنده رجوع نماید (محقق داماد، ۱۳۸۹: ص ۱۶۴).

۲-۲-۱. مفهوم

غرور در لغت به معنای «خدعه و أطمعه بِالْبَاطِلِ» آمده است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۵: ص ۱۱). با بررسی تعریف ارائه شده مشخص می‌شود که غرور به معنای خدعه، فریب و نیرنگ است (داراب‌پور، ۱۳۹۰: ص ۲۵۰؛ شیعی علویجه، ۱۳۹۰: ص ۸۱). مفهوم اصطلاحی غرور با معنای لغوی آن چندان تفاوتی ندارد و معنای فقهی آن نیز نوعی فریب کاری است (عمید زنجانی، ۱۳۸۲: ص ۱۵۵). در زیر، نمونه‌ای از تعاریف ارائه شده از غرور را نقل می‌کنیم.

- از نظر فقیهان، «قاعده غرور عبارت است از آنکه شخصی کاری را انجام دهد که موجب وارد شدن ضرر به دیگری گردد و متضرر شدن شخص دوم به سبب فریب خوردن وی از شخص اول باشد، هر چند شخص اول قصد فریب دادن شخص اخیر را نداشته باشد» (بجنوردی، ۱۳۷۷، ج ۱: ص ۲۶۹)؛

- در جای دیگر در توضیح قاعده مورد بحث آمده است که لازم نیست شخص فریب‌دهنده قصد نیرنگ و خدعه داشته باشد بلکه همین مقدار که از او فعلی صادر شود که دیگری با توجه به آن فریب بخورد، برای صدق غرور کافی است (محقق داماد، ۱۳۸۹: ص ۱۶۳).^۲

۱. مشهور فقیهان این عبارت را اصطیادی می‌دانند (امام خمینی، ۱۴۱۰ق، ج ۲: ص ۳۳۵) اما برخی از فقیهان نیز مدعی انتساب این کلام به رسول اکرم ﷺ شده‌اند و آن را حدیث نبوی دانسته‌اند (شهید ثانی، حاشیه الإرشاد، به نقل از: فاضل لنکرانی، ۱۴۳۵ق، ج ۱: ص ۲۱۵).

۲. گفتنی است، همان‌گونه که در ادامه خواهد آمد، عده‌ای از فقیهان این امر را خلاف بنای عقلا می‌دانند و معتقدند: ظاهر خدعه به موردی تعلق می‌گیرد که شخص غار قصد فریفتن داشته باشد (ر.ک: محسنی، ۱۳۸۲، ج ۱: ص ۱۹۰).

از بررسی تعاریف ارائه شده در باب قاعده غرور این گونه برداشت می شود که دو مفهوم درباره غرور وجود دارد:

الف. آنکه شخص به لحاظ رابطه سببیت با عمل فریب آمیز متضرر شود، هر چند که شخص غار از خدعه آمیز بودن آن عمل آگاه نباشد.

ب. شرط تحقق فریب، غرور و استناد ضرر به شخص غار، آگاهی و علم او از خدعه آمیز بودن آن عمل است.

بنابراین، روشن است که در مسئله رجوع مغرور به غار و ضمان غار در مقابل ضرر وارد شده به مغرور بین فقیهان اختلاف نیست؛ آنان فقط در تطبیق قاعده بر مصادیق آن اختلاف نظر دارند.

۲-۲-۲. مدلول

بی تردید، مورد مسلم حاکمیت قاعده غرور جایی است که غار از نتیجه مترتب بر عمل خود آگاه باشد؛ یعنی بداند طرف مقابل از فعل او فریب می خورد و متحمل خسارت می شود.^۱ اختلاف در جایی است که شخص غار جاهل یا در اشتباه است و سؤال اینجا است که اگر غار علم و قصد فریب مغرور را نداشته باشد، آیا در صورت فریب شخص مغرور، مشمول قاعده غرور می شود یا خیر؟

عده ای از فقیهان معتقدند علم و قصد شخص غار از عناصر اصلی تحقق غرور است؛ یعنی برای تحقق غرور موجد مسئولیت مدنی شخص غار، لازم است که وی از آن آگاه باشد (خوئی، ۱۳۷۷ق، ج ۵: ص ۴۴۶).^۲ عمده دلایل آنها به این صورت ذکر شده است که اصولاً غرور با علم و قصد محقق می شود؛ زیرا غرور به معنای خدعه است و خدعه

۱. علاوه بر مورد عالم بودن غار به عمل فریفتن که از موارد یقینی مشمول قاعده غرور است، بی تردید در صورتی که مغرور از تدلیس و فریفته شدن از جانب غار آگاه باشد، مشمول قاعده غرور نمی شود؛ زیرا جهل مغرور از شرایط اصلی قاعده غرور است و در این مورد نیز میان فقیهان اختلافی نیست: «أن المغرور يعتبر فيه الجهل بالواقع حتى يكون مغروراً...» (ر.ک: حسینی، ۱۴۱۷ق، ج ۲: ص ۴۴۱).

۲. «... فی المبحث المذكور أن الغرور انما يتقوم بأمرین أحدهما علم الغار بالعیب، وثانیهما جهل المغرور به، ومع انتفاء أحدهما ینتفی الغرور...»





ظاهراً فقط با جمع دو عامل علم شخص غار و جهل شخص مغرور محقق می‌شود (عمید زنجانی، ۱۳۸۲: ص ۱۶۳؛ شفیعی علویجه، ۱۳۹۰: ص ۸۵)؛ پس باید به مورد یقینی اکتفا کرد که همان موردی است که شخص غار علم دارد (مصطفوی، ۱۳۷۳، ج ۱: ص ۱۷۸).^۱ در مقابل، عده‌ای از فقیهان بر این اعتقادند که برای تحقق غرور موجب ضمان، علم و قصد شخص غار شرط نیست (حسینی، ۱۴۱۷ق، ج ۲: ص ۴۴۱؛ النجفی، ۱۳۶۲، ج ۴۳: ص ۱۴۶؛ بجنوردی، ۱۳۷۷: ص ۲۶۹)؛ زیرا آن چیزی که موجب فریب شده است فعل شخص غار است و این فعل حتی در فرض جهل شخص غار نیز فریبنده بوده است؛ همچنین صرف وجود رابطه علیت بین فعل غار و فریب شخص مغرور کفایت می‌کند؛ از طرفی هر چند که عناوین قصده بدون قصد محقق نمی‌شوند، اما همه افعال این گونه نیستند و اکثر افعال بدون قصد و علم خاص صورت می‌گیرند و با وجود آنکه اقدام به آنها با اراده انجام می‌پذیرد، نتیجه حاصل از آن همیشه مقصود و منظور نیست (محقق داماد، ۱۳۸۹: ص ۱۷۰).

به نظر می‌رسد دیدگاهی که قائل به عدم تأثیر قصد و علم در تحقق غرور موجب ضمان است اقرب به واقعیت است؛ زیرا افزون بر دلایل پیش گفته، در مقوله مسئولیت مدنی، برخلاف حوزه کیفری، عمدتاً عنصر قصد و علم دخالت چندانی ندارد؛ پس صرف وجود رابطه سببیت بین فعل شخص و تحقق فریب موجب زیان به شخص مغرور کافی به مقصود است.

استناد به قاعده غرور به عنوان یکی از مبانی فقهی مسئولیت مدنی سازمان‌های ناظر بر ایمنی محصولات فناوری‌های نوین از این جهت است که این سازمان‌ها به موجب قانون و به شکل انحصاری به مجموع اقدامات لازم برای استانداردسازی محصولات تولیدی داخلی یا محصولات وارداتی می‌پردازند. در واقع، این سازمان‌ها تکلیف قانونی دارند تا از طریق تدوین استانداردهای ضروری و اعمال آنها بر واحدهای تولیدی و کنترل کیفی به صورت مداوم سلامت محصولات تولیدی و وارداتی را تأمین نمایند. مصرف‌کنندگان نیز به طور معمول با آگاهی از کنترل محصولات مصرفی و با اعتماد به عملکرد

۱. «... ولكن الأولى الاقتصار في مورد القاعدة على ما إذا علم الغار، لأنه هو المتيقن...».

سازمان‌های ناظر، محصولات موردنظر را می‌خرند و مصرف می‌کنند. در نتیجه، آنچه در این بین روشن است، اعتماد به‌ظاهر فراهم‌شده مصرف‌کنندگان از سوی این سازمان‌ها است؛ بنابراین، یکی از مبانی منتخب برای مسئولیت مدنی سازمان‌های موردبحث، قاعده غرور است. به‌موجب این قاعده، اگر شخصی اعم از حقیقی یا حقوقی ظواهری را فراهم آورد و دیگری به این ظواهر اعتماد نماید و در نتیجه این اعتماد، به وی لطمه‌ای وارد شود، شخص غار، صرف‌نظر از قصد یا علم وی به ورود زیان به دیگری، مسئول شناخته می‌شود.

در جهت تقویت این مبنا می‌توان به بند ۶ از ماده ۷ «قانون تقویت و توسعه نظام استاندارد» مصوب ۱۳۹۶/۰۷/۱۱ اشاره نمود. به‌موجب این بند، یکی از وظایف سازمان ملی استاندارد، آموزش و ترویج استانداردها و فراهم‌نمودن امکان دسترسی مردم به مشخصات و اطلاعات مربوط به استانداردهای کالا و خدمات در سطح کشور است. همچنین، بند ۲۴ از همین ماده در همین راستا مقرر می‌کند که سازمان ملی استاندارد مکلف به فراهم‌نمودن امکان نظارت‌های مردمی بر کیفیت کالاها با نشان ملی استاندارد است. افزون بر این، به‌موجب تبصره‌های ۱ و ۳ ماده ۱۴ «قانون تقویت و توسعه نظام استاندارد»، سازمان ملی استاندارد مکلف است موضوع اجباری شدن استانداردهای موردنظر را با تشریفات مشخصی به اطلاع عموم برساند و نیز تبلیغات رسمی کالاهای مشمول استانداردهای اجباری، منوط به تأیید سازمان است.^۱ از آنچه بیان شد، تکلیف سازمان به اطلاع‌رسانی در حیطه وظایف خود برداشت می‌شود. این امر موجب جلب اعتماد عمومی است که می‌تواند خود از مصادیق «فریفتن» قرار گیرد.

در این راستا، ممکن است ایراد شود که برفرض پذیرش جریان قاعده غرور، قاعده مذکور تولیدکنندگان را شامل می‌شود و نه سازمان‌های ناظر بر ایمنی محصولات. این

۱. به‌طور کلی، تأثیر تبلیغات بیش از حد کالاهای مصرفی در پذیرش و استقبال عمومی از یک محصول، امروزه امری انکارناپذیر است که می‌تواند ظواهر قابل‌اعتمادی برای عموم ایجاد کند و از این رهگذر موجب مغرور شدن آنها شود. این تبلیغات در حوزه محصولات نانو و سایر محصولات تحت نظارت سازمان استاندارد، صرفاً با تأیید و مجوز سازمان ملی استاندارد ممکن است.





ایراد را می‌توان به دو طریق برطرف کرد: نخست، احراز مسئولیت مدنی سازمان‌های ناظر بر ایمنی محصولات بر مبنای قاعدهٔ غرور با فرض جمع مجموع شرایط و ضوابط آن، نافی مسئولیت تولیدکننده یا واردکنندهٔ آن کالا نیست؛ چراکه اثبات یک مسئله به منزلهٔ نفی غیر از خود نیست (اثبات شیء نفی ماعدا نمی‌کند). دوم، چنان‌که پیش‌تر بیان شد، عملکرد سازمان‌های موردبحث و تکالیف قانونی آنها و نوع ارتباطشان با مصرف‌کنندگان مجموعاً موجب ایجاد اعتماد و ظاهری اطمینان‌بخش در مردم برای مصرف از یک کالای دارای نشان کنترل و استاندارد می‌شود و تأثیرگذاری مستقیم این امر در ترغیب مصرف‌کنندگان به مصرف از یک کالا انکارناپذیر است؛ پس در صورت طرح دعوی مسئولیت مدنی در این خصوص، احراز مسئولیت سازمان‌های موردبحث بر مبنای قاعدهٔ غرور امری ممکن و موجه است.

۲-۳. رجحان قاعدهٔ غرور در تحلیل فقهی مسئولیت مدنی

اساساً در تحلیل دعاوی مسئولیت مدنی همواره باید در راستای تحقق اهداف دیرینهٔ مسئولیت مدنی (که حقیقتاً فلسفهٔ آن را تشکیل می‌دهند) گام برداشت. به همین ترتیب، در تحلیل صرفاً حقوقی نیز باید مبنایی را برگزید که ضمن تضمین حقوق طرفین دعوا، موجب مسئولیت‌پذیری نهادهای مکلف به نظارت بر ایمنی محصولات سلامت‌محور (از جمله محصولات نانومقیاس یا تراریخته) شود؛ چون همواره تولید و مصرف این محصولات در کنار ضرورت‌شان با خطر همراه است. در نتیجه، در تحلیل فقهی دعاوی مسئولیت مدنی سازمان‌های ناظر بر ایمنی محصولات ناشی از فناوری‌های نوین باید به سوی قواعدی حرکت کنیم که شرایط و ضوابط احراز مسئولیت در آن قاعده با عملکرد سازمان‌های موردبحث و ضعف جایگاه زیان‌دیده در برابر عامل زیان‌تناسب داشته باشد و با رویکردی عینی به زیان واردشده سعی در جبران حداکثری آن نماییم (عظیم‌نسب راینی، ۱۳۹۶: ص ۲۷).

در برداشت نخست و وفق معمول قاعدهٔ غرور، زیان‌دیده در دعوی مسئولیت مدنی بعد از اثبات زیان واردشده، در خصوص اثبات رفتار زیان‌بار سازمان نظارتی طرف دعوا

صرفاً مکلف به اثبات صدور عملی از جانب آن سازمان است که مصداق «فریفتن» شناخته می‌شود؛ یعنی زیان‌دیده تکلیفی به واکاوی تخصصی موضوع دعوا در اثبات تقصیر سازمان نخواهد داشت. از سوی دیگر، در خصوص تکلیف زیان‌دیده مبنی بر اثبات رابطه سببیت باید گفت: زیان‌دیده باید ثابت نماید که در نتیجه عمل «فریفتن» - که از جانب سازمان صادر شده است - «مغرور» شده است؛ لازمه این امر احراز توجه‌داشتن زیان‌دیده به عملی است که مصداق «فریفتن» است و نیز جهل خود از واقع.^۱ بدین صورت، اثبات رابطه سببیت برای زیان‌دیده چندان دشوار نیست؛ همچنین، او از اثبات وجود رابطه سببیت میان فعل یا ترک فعل سازمان مربوطه از یک‌سوی و غیرایمن بودن محصولات از سوی دیگر معاف است؛ زیرا اثبات این نوع از رابطه سببیت از شرایط قاعده غرور خارج است و می‌توان گفت که این امر به گونه‌ای مفروض پنداشته می‌شود. در نتیجه، این قاعده از این جهت که ضعف جایگاه زیان‌دیده را با تسهیل دعوای مسئولیت مدنی تقویت می‌کند رجحان دارد.



۹۳

فقه

حال، که با جهات رجحان قاعده غرور در موضوع مورد بحث آشنا شدیم، باید عملکرد سازمان‌های ناظر را با ارکان قاعده غرور منطبق نماییم.

در خصوص تکلیف زیان‌دیده به اثبات صدور یکی از مصادیق فریفتن (فعل زیان‌بار) از جانب سازمان مربوطه و نیز اثبات فریفته‌شدن در نتیجه آن عمل (رابطه سببیت) باید گفت:

سازمان‌های ناظر بر معیارهای کیفی و ایمنی کالاهای مصرفی به‌طور حصری مشخص شده‌اند. به‌موجب قوانین مربوط، از جمله قانون تقویت و توسعه نظام استاندارد، این سازمان‌ها مرجع انحصاری کنترل ایمنی محصولات تولیدی یا وارداتی محسوب می‌شوند (ماده ۱). این انحصار سایر اشخاص حقوقی و حقیقی را از ورود به این عرصه ممنوع می‌کند؛ از سوی دیگر، انحصار در یک عرصه موجب ایجاد انتظاری مبنی بر تضمین صحت عملکرد در آن زمینه می‌شود. علاوه بر این، به‌موجب ماده ۷ قانون ذکر شده،

۱. لزوم جهل شخص مغرور به واقعیت امر، از شرایطی است که در استقرار قاعده غرور مورد اتفاق فقیهان است (ر.ک: شهید ثانی، ۱۴۱۰، ج ۸، ص ۲۷۰).



سازمان استاندارد کالاهای کنترل شده و ایمن را از طریق درج نشان استاندارد به مردم معرفی می کند؛ همچنین، مطابق ماده ۱۴ همین قانون، تبلیغات رسمی کالاهای مشمول استانداردهای اجباری منوط به تأیید سازمان ملی استاندارد (به عنوان یکی از مصادیق حصری سازمان های ناظر بر کیفیت و ایمنی کالا) است. بنابراین، تولید و تبلیغ کالاهای مصرفی و ترغیب افراد جامعه به مصرف آن (از طریق تبلیغ) تنها با مجوز سازمان های مربوطه (سازمان استاندارد و سازمان غذا و دارو) ممکن است. در نتیجه، اعتماد مصرف کنندگان به ظاهر اطمینان بخشی که در نتیجه عملکرد سازمان های مورد نظر ایجاد می شود محرز است؛ پس در صورت ورود زیان باید فریفته شدن مصرف کننده را مفروض پنداشت و زیان دیده را از اثبات فریفته شدن نیز معاف دانست.

در عمل، این سازمان ها در بسیاری از موارد از طریق کارشناسان خود، فناوری های نوظهور به ویژه نانو فناوری و زیست فناوری و کالاهای مربوطه را معرفی می کنند. افراد جامعه نیز با دیدن نشان استاندارد و با اعتماد به حضور مؤثر این دسته از سازمان ها ترغیب می شوند که محصولات هم چون مواد خوراکی تراریخته و کالاهای تولیدی نانومقیاس را مصرف کنند؛ محصولاتی که در بدو ظهور برای مردم ناشناخته بودند.

۲-۳. نظریه قابلیت استناد زیان به عامل زیان

یکی از نظریه های مبنای مسئولیت مدنی، نظریه «قابلیت استناد زیان به عامل زیان» است. قابلیت استناد، که تعبیری دیگر از رابطه سببیت است، یعنی «هرگاه زبانی پدید می آید، مسئولیت جبران خسارت بر عهده کسی است که این زیان مستند به عمل (فعل یا ترک فعل) اوست» (مبین، ۱۳۹۰: ص ۹۸).^۱ در ادامه، شرح مختصری در این خصوص و امکان یا

۱. به لحاظ بررسی مقایسه ای، قلمرو و نتیجه نظریه خطر و نظریه قابلیت استناد زیان به عامل زیان یکسان است، اما باید توجه کرد که از نظر تحلیلی، این دو نظریه یکسان نیستند. زمینه پیدایش و اعمال نظریه خطر ایجاد محیطی خطرناک است؛ در بحث مسئولیت مدنی سازمان های نظارتی در حوزه محصولات نانو، به دلیل ایجاد نشدن محیط خطرناک، اعمال این نظریه مورد تردید بود. در مقابل، بر اساس نظریه قابلیت استناد زیان به عامل زیان، مبنای مسئولیت خطرناک بودن عمل ارتكابی نیست بلکه مبنای تحلیل مسئولیت احراز مستند بودن زیان به عامل زیان است؛ صرف نظر از ارتكاب تقصیر (به مفهوم سنتی آن) یا ایجاد محیطی خطرناک.

عدم امکان پذیرش آن به عنوان مبنای مستقل موجب ضمان در کنار سایر قواعد ضمان آور ارائه می کنیم.

براساس این نظریه، قواعد فقهی مختلف در خصوص ضمان در فقه امامیه و اختلاف نظر فقیهان و فروع مختلف فقهی ای که در این خصوص وجود دارد، همگی در جهت تشخیص و احراز استناد یک زیان به عامل زیان است (مبین، ۱۳۹۰: ص ۱۹۷). در فقه اسلامی، تقصیر معیار مسئولیت نیست بلکه راهی برای احراز و کشف استناد عرفی فعل زیان بار به عامل آن و یا به عبارتی، استناد زیان به عامل زیان است (باریک لو، ۱۳۸۵: ص ۵۳).

در توضیح این نظریه آمده است: اگر به بررسی هر کدام از قواعد فقهی موجب ضمان پردازیم، خواهیم دید که مجموع آنها مبتنی بر اثبات یک رابطه سببیت عرفی^۱ هستند. برای نمونه می توان به قاعده اتلاف و تسبیب اشاره کرد: چنان که بسیاری از فقیهان بیان کرده اند، در احراز سببیت برای استناد زیان به عامل زیان (اعم از بالمباشره یا بالتسبیب) باید معنای عرفی سبب را در نظر بگیریم (التجفی، ۱۳۶۲، ج ۳۷: ص ۵۲). در همین راستا، برخی از فقیهان، ضمن نظر به وحدت اتلاف و تسبیب تأکید کرده اند: «هرگاه منشأ ضمان اتلاف باشد، چنان که از نصوص و فتواها هم برمی آید، ملاک اصلی این است که عرفاً بر فردی عنوان متلف صدق کند و تقسیم علل تلف به مباشر و سبب و مانند اینها تقسیم بندی های عرفی است...» (حسینی، ۱۴۱۷ق، ج ۲: ص ۴۳۵). بنابراین، در این دو قاعده صرف نظر از وحدت یا استقلال آنها، در خصوص لزوم احراز رابطه سببیت عرفی اختلافی وجود ندارد؛ آنچه منشأ اختلاف نظر قرار گرفته است، نحوه احراز این رابطه یا به عبارتی اختلاف در تشخیص مصادیق است، نه لزوم احراز رابطه سببیت عرفی و تعریف آن (مکارم شیرازی، ۱۴۱۱ق، ج ۲: ص ۲۰۶)؛ پس اتلاف و تسبیب زمانی موجد مسئولیت خواهند بود که رابطه سببیت عرفی میان زیان و عامل آن برقرار باشد. اصولاً این رابطه در اتلاف به دلیل بالمباشره بودن محرز است و جز به واسطه قوه قاهره قطع نمی گردد؛ اما

۱. «رابطه ای است که در هر مورد با توجه به مجموع شرایط و اوضاع و احوال بین دو پدیده برقرار می گردد؛ به گونه ای که عرف یک پدیده را ناشی از پدیده دیگر می داند» (ر.ک: مبین، ۱۳۹۰: ص ۱۷۳).





در تسیب به دلیل غیرمستقیم بودن رابطه میان زیان و عامل زیان، باید این رابطه منجزاً احراز شود. از این رو، برخی از فقیهان و حقوق دانان معتقدند که تقصیر خود موضوعیت ندارد بلکه در جهت احراز رابطه سببیت عرفی طریقت دارد (داراب پور، ۱۳۹۰: ص ۸۳).

همچنین قاعده غرور نیز منطبق بر نظریه مذکور به نظر می رسد. در توضیح این انطباق باید گفت: ثبوت و اثبات تکلیف به جبران خسارات وارد شده به مغرور برای شخص غار مبتنی بر احراز استناد زیان به عامل زیان (غار) است؛ زیرا آنچه در قاعده غرور اهمیت دارد این است که بین عمل غار و عمل مغرور در ایراد خسارت، رابطه علیت برقرار باشد و لزوم احراز این رابطه علیت به معنای لزوم احراز استناد زیان به عامل زیان است و مجموع شرایط و ضوابط ضروری در قاعده غرور^۱ برای اثبات چنین استنادی است. به دیگر سخن، در بحث ما براساس «قاعده غرور»، زیان دیده ای که در نتیجه «فریفته شدن» از جانب یکی از سازمان های نظارتی، مغرور و متضرر شده است باید دو موضوع را اثبات نماید:

موضوع اول خود عمل «فریفتن» است و می تواند در خصوص سازمان های مورد بحث مصادیق گوناگونی داشته باشد؛ از جمله معرفی شدن آنها به عنوان تنها مرجع دولتی ای که استانداردهای ضروری و کنترل مداوم محصولات را تدوین می کند و وظیفه اش نصب نشان مخصوص به سازمان (با مفهوم ایمن بودن محصول) است.

موضوع دوم با بحث رابطه سببیت ارتباط مستقیم دارد: زیان دیده باید ثابت نماید که در نتیجه عمل «فریفتن» که از جانب سازمان صادر شده «مغرور» شده است؛ لازمه این امر احراز دو چیز است: توجه داشتن زیان دیده به عملی که مصداق فریفتن است و جهل خود از واقع^۲. نظریه «قابلیت استناد زیان به عامل زیان» نیز همین نتیجه را اقتضا می کند.^۳ بر مبنای

۱. ر.ک: بحث قاعده غرور در همین نوشتار.

۲. لزوم جهل شخص مغرور به واقعیت امر، از شرایطی است که در استقرار قاعده غرور مورد اتفاق فقیهان است (ر.ک: شهید ثانی، ۱۴۱۰ق، ج ۸، ص ۲۷۰).

۳. قاعده غرور در لسان فقیهان، خود مبتنی بر مبنای قابلیت استناد زیان به عامل زیان است؛ زیرا آنچه در قاعده غرور اهمیت دارد این است که بین عمل غار و عمل مغرور در ایراد خسارت، رابطه علیت وجود داشته باشد. بنابراین، در اینجا مسئول جبران خسارت کسی است که زیان مستند به او باشد. این تعبیری از مبنای قابلیت استناد زیان به عامل زیان است.

این نظریه، که استقرار حداکثری بر رابطه سببیت عرفی دارد، در قالب قاعده غرور، زیان وارد شده باید در نتیجه اعتماد ایجاد شده در زیان دیده به وی وارد شده باشد؛ امری که بدون توجه زیان دیده به عمل مصداق فریفتن، مانند درج نشان استاندارد ممکن نیست. بنابراین، اگر این امر اثبات نشود، رابطه سببیت عرفی میان زیان وارد شده به مصرف کننده و سازمان نظارتی طرف دعوا برقرار نمی شود. این امر چیزی جز عدم قابلیت استناد زیان به عامل ظاهری زیان نیست.

همان گونه که بیان شد، بر اساس نظریه قابلیت استناد، مبنای مسئولیت مدنی سازمان های ناظر بر ایمنی محصولات نوین، قابلیت استناد زیان به آنها، صرف نظر از فعل زیان بار (تقصیر) آنها است؛^۱ بنابراین تقصیر در استقرار مسئولیت طریقت دارد نه موضوعیت و ملاک مسئولیت نیست؛ چنان که در فقه امامیه نیز این گونه است.

در حقوق ما، نظریه قابلیت استناد به تعبیرهای گوناگون مورد توجه حقوق دانان قرار گرفته است؛ چنان که گفته شده است:

یکی دیگر از نظریه هایی که می تواند مبنای مسئولیت قرار گیرد استناد عرفی انجام یک فعل به شخص مسئول است. به استناد این نظر، مبنای مسئولیت شخص به جبران خسارت، استناد عرفی فعل زیان بار به آن شخص است؛ زیرا اصل لزوم پاسخ گوبودن هر شخص در برابر اعمال خود از اصول عقلی و مسلم است و تقصیر یکی از راه های احراز استناد عرفی فعل زیان بار به عامل آن است و خود تقصیر به تنهایی در تحقق مسئولیت مدنی موضوعیت ندارد (باریکلو، ۱۳۸۵: ص ۵۳-۵۴).

از مجموع مطالب پیشین درباره نظریه قابلیت استناد زیان به عامل زیان، این گونه برمی آید که همه موجبات فقهی ضمان به طریقی اثبات کننده رابطه سببیت میان زیان و عامل زیان هستند و سایر قواعد ضمان آور به شکلی در طول این نظریه قرار دارند. به نظر می رسد که با

۱. اساساً در نظریه قابلیت استناد، فعل زیان بار به تنهایی اهمیت چندانی ندارد و در صورت بررسی فعل زیان بار، صرفاً در جهت احراز ملاک اصلی مسئولیت است که همان استناد عرفی زیان به عامل زیان باشد؛ در مقابل، همان گونه که می دانید، در نظریه تقصیر ملاک و معیار اصلی مسئولیت، تقصیر عامل زیان است و در صورت فقدان این شرط (عدم اثبات آن) عامل زیان از مسئولیت مبرا می شود.





فرض پذیرش مفاد نظریه قابلیت استناد، نمی توان آن را قاعده‌ای دانست که به طور مستقل، مبنای مسئولیت مدنی قرار گیرد. این نظریه در حقیقت بیان می‌دارد که در دعاوی مسئولیت مدنی، صرف احراز رابطه سببیت عرفی میان زیان و عامل زیان برای استقرار مسئولیت مکفی است؛ با وجود این، برای احراز این رابطه سببیت و به تبع آن، استناد زیان به عامل آن روشی ارائه نمی‌دهد. پس هر چند پذیرش این ممکن است که موجبات فقهی ضمان از راه‌های مختلف به دنبال احراز رابطه سببیت عرفی هستند، اما وقتی که در مقام حل دعاوی مسئولیت مدنی قرار می‌گیریم صرف دانستن لزوم احراز رابطه سببیت عرفی و استناد زیان به عامل آن کافی نخواهد بود. برای رسیدن به این هدف ناگزیر از تمسک به یکی از قواعد ضمان آور و تطبیق آن دعوا با ارکان آن قاعده هستیم.

بنابر آنچه گفته شد، نظریه قابلیت استناد زیان به عامل زیان را نه به عنوان مبنای مسئولیت، بلکه باید به عنوان نظریه‌ای عمومی معرفی کرد که موجبات فقهی ضمان در طول آن قرار دارند. نتیجه آنکه، در دعاوی مسئولیت مدنی به طور کلی با وجود پذیرش لزوم و کفایت احراز استناد زیان به عامل زیان، نمی‌توان این استناد را بدون قاعده دانست و خود را از ورود مصداقی به یکی از قواعد مشخص فقهی که ضمان آور هستند بی‌نیاز فرض کرد؛ بلکه احراز این استناد قاعده‌مند است و در قالب یکی از قواعد ضمان آور و منطبق کردن عملکرد شخص مورد نظر (که در معرض مسئولیت قرار دارد) با ارکان آن است. به همین جهت، نظریه قابلیت استناد زیان به عامل زیان را - که مستقلاً فاقد روشی خاص برای احراز استناد است و صرفاً بیان‌کننده هدف موجبات فقهی ضمان به طور کلی است - نمی‌توان به عنوان قاعده‌ای در عرض سایر قواعد دانست. پس با فرض پذیرش مفاد این نظریه، همچنان برای احراز استناد عرفی زیان به عامل زیان، ناگزیر از انتخاب یک قاعده ضمان آور هستیم.

نتیجه‌گیری

فناوری‌های نوین قابلیت‌های شگرفی در افزایش کارایی محصولات دارند. این کاربری به‌ویژه در حوزه‌هایی همچون انرژی، محیط‌زیست، پزشکی و مواد شیمیایی بیشتر

مشهود بوده است. پیشرفت چشمگیر ایران نیز در حوزه فناوری‌های نوین همانند زیست‌فناوری و نانوفناوری و پیشگامی جهانی در این زمینه، حکایت از آینده‌ای روشن در این حوزه دارد. با وجود این، آثار مضر احتمالی محصولات همچون تراریخته یا محصولات نانومقیاس بر سلامت مصرف‌کنندگان، نگرانی‌هایی را در بین عموم ایجاد کرده است. از این رو، نظارت و کنترل بر این محصولات اهمیت اساسی می‌یابد و لزوم بررسی مسئولیت مدنی سازمان‌های ناظر بر ایمنی محصولات مطرح می‌شود.

در این نوشتار کوشیدیم از منظر فقهی به تحلیل مبنای مسئولیت مدنی سازمان‌های ناظر بر معیارهای کیفی و ایمنی محصولات تولیدی یا وارداتی پردازیم. با بررسی مجموع مباحث مطرح شده و تدقیق در موجبات فقهی ضمان به امکان‌سنجی اعمال و تطبیق دو قاعده فقهی «تسیب» و «غرور» با عملکرد و مسئولیت سازمان‌های مورد بحث پرداختیم. در نهایت با در نظر داشتن هدف غایی قواعد مذکور - که همان استناد زیان به عامل زیان و برقراری رابطه سببیت عرفی است - نظریه «قابلیت استناد زیان به عامل زیان» را بررسی کردیم.

در حقیقت، بحث از قواعد فقهی ضمان آور به مهم‌ترین مبحث در مسئولیت مدنی یعنی «مبنای مسئولیت» بازمی‌گردد؛ بنابراین، در خصوص قاعده تسیب، با توجه به رسالت مسئولیت مدنی و لزوم نگاه عینی به زیان و قضاوت منصفانه به جهت مشقت اثبات تقصیر و شناسایی فعل زیان‌بار و به تبع آن ضعف جایگاه زیان‌دیده در برابر سازمان‌های ناظر، در این نوشتار اعمال قاعده تسیب را رد کردیم. در ادامه، با تمرکز حداکثری بر رابطه سببیت عرفی میان زیان و سازمان‌های مورد بحث، قاعده «غرور» را بر سایر موجبات فقهی ضمان رجحان دادیم. این قاعده به عنوان مبنای مطرح شد که حقوق مصرف‌کنندگان را در دعاوی مسئولیت مدنی علیه سازمان‌های ناظر تأمین می‌کند و با عملکرد آنها قابل تطبیق است. دلیل رجحان قاعده غرور این بود که تولید و تبلیغ کالاهای مصرفی و ترغیب افراد جامعه به مصرف آن (از راه تبلیغ) تنها با مجوز سازمان مربوطه ممکن است (ماده ۱۴ قانون تقویت و توسعه نظام استاندارد)؛ پس وجود دو رکن قاعده غرور یعنی «صدور یکی از مصادیق فریفتن» و «فریفته شدن زیان‌دیده»





محرز شد تا در صورت ورود زیان، این دو رکن مفروض پنداشته شوند. در نهایت، قاعده «قابلیت استناد زیان به عامل زیان» را در جهت کشف نظریه عمومی مسئولیت مدنی در فقه بررسی کردیم. در این بخش از بحث، دانستیم که مفاد نظریه مذکور پذیرفتنی است و بی تردید، موجبات ضمان به دنبال احراز استناد زیان به عامل آن هستند؛ اما این احراز استناد قاعده مند است و در مقام حل دعاوی مسئولیت مدنی ناگزیر از تمسک به یکی از قواعد ضمان آور هستیم. از این رو، نظریه قابلیت استناد زیان به عامل زیان به جهت ارائه نکردن روشی مستقل از سایر قواعد در حل دعاوی توانست مبنای مستقلی در عرض سایر موجبات ضمان باشد. به دیگر سخن، نظریه مذکور فقط به تحلیل مقصود موجبات فقهی ضمان می پردازد و احراز استناد زیان به عامل زیان را هدف آنها دانسته است، اما دارای رکنی مستقل از سایر قواعد نیست؛ پس محکمه برای احراز استناد عرفی زیان به عامل آن باید از دریچه یکی از قواعد ضمان آور (مثلاً قاعده غرور) وارد شود.

بنابر آنچه گفتیم، در بحث حاضر در خصوص مبنای مسئولیت مدنی سازمان های مورد نظر، شاه راه احراز استناد زیان به عامل زیان، همانا تحلیل مسئولیت آنها بر مبنای قاعده غرور است. با رجحان قاعده غرور، زیان دیده که به جهت تخصصی بودن نوع فعالیت سازمان های نظارتی و مشقت بار بودن اثبات فعل زیان بار (تقصیر)، در جایگاه ضعیف تری نسبت به سازمان نظارتی طرف دعوا قرار داشت، با دشواری چندان روبرو نخواهد بود.

کتابنامه

۱. ابن منظور (محمد بن مکرم) (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، ج ۵، چ ۳، بیروت: دار صادر.
۲. ایروانی، باقر (۱۳۹۳)، دروس تمهیدیه فی القواعد الفقهیه، ج ۲، قم: نصاب.
۳. باریک‌لو، علیرضا (۱۳۸۵)، مسئولیت مدنی، چ ۱، تهران: میزان.
۴. بجنوردی، سیدمحمدحسن (۱۳۷۷)، القواعد الفقهیه، ج ۱، قم: نشر الهادی.
۵. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۶)، الفارق، ج ۴، چ ۱، تهران: گنج دانش.
۶. حسینی، سیدمیرعبدفتاح مراغی (۱۴۱۷ق)، العناوین الفقهیه، ج ۲، قم: مؤسسه النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة.
۷. خمینی (امام)، روح‌الله موسوی (۱۴۱۰ق)، کتاب البیع، ج ۲، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
۸. خوئی، سیدابوالقاسم (۱۳۷۷ق)، مصباح الفقاهة، ج ۵، قم: مکتبه الداوری.
۹. داراب‌پور، مهرب (۱۳۹۰)، مسئولیت‌های خارج از قرارداد، چ ۲، تهران: مجد.
۱۰. شفیعی علویجه، قاسم (۱۳۹۰)، «شرایط غرور موجد مسئولیت مدنی در حقوق ایران و انگلیس»، فصلنامه پژوهش حقوق، س ۱۳، ش ۳۳، ص ۸۳-۱۰۰.
۱۱. شهابی، محمود (۱۳۳۳)، قواعد فقه، چ ۴، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۲. شهید ثانی (زین‌الدین بن علی) (۱۴۱۰ق)، جامع المقاصد فی شرح القواعد، ج ۸، قم: مؤسسه آل‌البتین لإحياء التراث.
۱۳. عظیم‌نسب راینی، احمدرضا (۱۳۹۶)، مسئولیت مدنی سازمان‌های ناظر بر معیارهای کیفی کالا، پایان‌نامه کارشناسی ارشد به‌راهنمایی منصور امینی، دانشگاه شهید بهشتی تهران، دانشکده حقوق، گروه حقوق خصوصی.
۱۴. عمید زنجانی، عباس علی (۱۳۸۲)، موجبات ضمان، چ ۱، تهران: میزان.
۱۵. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۹)، الزام‌های خارج از قرارداد، ج ۱، چ ۹، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۶. فاضل لنکرانی، شیخ محمد (۱۴۳۵ق)، القواعد الفقهیه، ج ۱، قم: مرکز فقه الأئمة الأطهار.
۱۷. مبین، حجت (۱۳۹۰)، نظریه قابلیت استناد، چ ۱، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.
۱۸. محسنی، شیخ محمدآصف (۱۳۸۲)، القواعد الأصولية والفقهية فی المستمسک، ج ۱، قم: پیام مهر.



فقه

١٩. محقق داماد، سيدمصطفى (١٣٨٩)، قواعد فقه (بخش مدنی، مالکیت، مسئولیت)، ج ٢٨، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
٢٠. مصطفوی، سيد محمد کاظم (١٣٧٣)، مائة قاعدة فقهية، ج ١، قم: مؤسسة النشر الإسلامي التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة.
٢١. مکارم شیرازی، ناصر (١٤١١ق)، القواعد الفقهية، ج ٢، ج ٣، قم: مدرسة الإمام أمير المؤمنين عليه السلام.
٢٢. النجفی، الشيخ محمد حسن (١٣٦٢ش)، جواهر الكلام فی شرائع الاسلام، ج ٣٧ و ٤٣، بیروت: دار إحياء التراث العربی
23. David, V.K. & P.B. Thompson (eds.) (2008), *What Can Nanotechnology Learn from Biotechnology*, Oxford: Academic Press.
24. Md. Ershadul karim, Abu Bakr Munir, (2014), "Nanotechnology in Asia: A Preliminary Assessment of the Existing Legal Framework", *KLRI Journal of law and legislation*, V.4, No. 2
25. Murashov, V., Howard, J. (2009), "Essential Features of Proactive Risk Management". *Nat. Nanotechnol.* 4(8). p.467-470.
26. Nowack, B. & Bucheli TD. (2007), "Occurrence, Behavior and Effects of Nanoparticles in the Environment". *Environ pollut*; 150: p.5-22.
27. Schmidt, K.F. (2006), *Nanofrontiers: Visions for the Future of Nanotechnology*. Washington, DC: Project on Emerging Nanotechnologies.



فقه